

اخلاقیات اجتماعی صلح در حکمت دینی:

بازخوانی شبکه متون معارف اسلامی - شیعی

سید محمود نجاتی حسینی (خراسانی)^۱

چکیده

از حیث جامعه‌شناختی صلح، نقیض «ناصلح» است، یعنی نبود جنگ، تضاد، تناقض، تخاصم، نزاع، مناقشه، خشونت، تبعیض و تعصب. «صلح» زمینه‌ساز آرامش فرهنگی، آسایش مدنی، امنیت سیاسی، ثبات حقوق و نظم اجتماعی است. در متون حکمتی دینی، می‌توان شاهد آموزه‌هایی درباره «صلح‌خواهی- گرای- سازی» بود. منظور از «حکمت» نیز همان قواعد عملی یک زندگی اخلاقی معنوی‌اند. حکمت (ها) توصیه‌ها و خطمشی‌ها و رهنمودهای ارزشی هنجاری معنوی جهان شمولی هست (ند) برگرفته از الاهیات و فلسفه و تجربه زیسته بشری که هم انسان مدارانه‌اند و هم‌زیستنی سعادت‌مند را به صورتی عام‌گرایانه و فراسوی محدودیت‌های فرهنگی و آن سوی مرزبندی‌های عقیدتی ادیان رسمی و فراتر از قید و بندهای محلی‌گرایانه و خاص‌گرا توصیه و ترویج و تبلیغ کرده و تذکر و آموزش نیز می‌دهند. از این لحاظ و تا جایی که با «حکمت اسلامی» مرتبط است، در چند متن دینی که از جنس معارف اسلامی و شیعی‌اند؛ می‌توان به این حکمت دست یافت و اخلاقیات صلح را در متن این متون به صورت هرمنوتیکی و معناکاوانه آن فهم کرد. این متون مورد



مطالعه عبارتند از: «نهج الفصاحه، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، رساله الحقوق، مثنوی شریف معنوی».

واژگان کلیدی: اخلاقیات اجتماعی صلح، شبکه متون دینی، معارف اسلامی و شیعی،

نهج الفصاحه، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، رساله الحقوق، مثنوی شریف معنوی



[۱] پروبلماتیک

«صلح»، نقیض «ناصلح»، که به معنای نبود جنگ، تضاد، تناقض، تخصص، نزاع، مناقشه، خشونت، تبعیض و تعصب است؛ زمینه‌ساز آرامش فرهنگی، آسایش مدنی، امنیت سیاسی، ثبات حقوقی و نظم اجتماعی است.^۱ در زمانه تاریخی «صلح»، می‌توان شاهد مدارا و تفاهم و توافق بر یک زمینه اجتماعی بود. برخلاف آن، بر زمینه اجتماعی که «ناصلح» شکل می‌گیرد، تاریخ تمدن و جامعه نیز به سمت و سوی تخصص و سوء تفاهم و کژفهمی و عدم مدارا می‌رود و زیست اجتماعی به شکل تضاد اجتماعی میان افراد و گروه‌ها و طبقات اجتماعی در می‌آید.^۲

در این وهله از تاریخ زیست اجتماعی است که نقش مهم «اخلاقیات صلح» peace and morality، ی‌عنی اصول و قواعد ارزشی هنجاری که ناظر به مدارا و تفاهم و توافق و هم‌بستگی و وفاق هستند، نمودار می‌شود؛ و «اخلاقیات صلح» می‌تواند

۱- در مورد «فضای مفهومی صلح/ ناصالح» و نیز «ماهیت جامعه شناختی- الهیاتی» آن در الهیات اسلامی و جهان اسلام نگاه شود به:

* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹) الهیات فرهنگی و صلح پژوهی دینی: بازخوانی مبانی تئوریک دیدگاه‌های مرتبط با مسایل صلح پژوهی دینی، فصلنامه صلح پژوهی اسلامی، سال ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹؛ صص ۹۷-۱۲۸، منتشره اسفند ۱۳۹۹ / قابل دسترسی اینترنتی در لینک زیر: ir.iprjournal.www

۲- در مورد ادبیات «صلح با نگاه حل مساله» نگاه شود به:

*Gatling, Johan (2010) Peace Studies and Conflict Resolution: The Need for Transdisciplinarity - TRANSCEND: A Network for Peace and Development, transcultural psychiatry ARTICLE, Transcultural Psychiatry Vol 47(1):20-32., <http://www.sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav>, DOI: 10.1177/1363461510362041.

*Rams, Botham, et al (2016) Contemporary Conflict Resolution, 4th, Edition, Polity. ISBN: 978-0-745-68721-6 February.

*Webel, Charles & Galtung, Johan (Eds) (2007) Handbook of Peace and Conflicts Studies, Routledge.

۳- درمورد «تأثیرات جامعه شناختی صلح و ناصالح» بر «تضاد / وفاق» و نسبت «دین» با این دو نگاه شود به:
* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸) دین در رویارویی با «وفاق- تضاد- پویایی»: از سنت‌های جامعه‌شناسی دین تا الهیات فلسفی اجتماعی گفتگوی هابرماسی [مقاله ارائه شده به پانل دین- همایش انجمن جامعه‌شناسی ایران «چهارمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری در باره جامعه ایران» / تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، اردیبهشت ۱۳۹۸].



تاریخ و فرهنگ و جامعه را به سمت وسوی پرهیز و گریز از خشونت و مناقشه و منازعه و بدفهمی و کژ فهمی و تعصب و تبعیض رهنمون شود^۱.

اما با این همه «اخلاقیات اجتماعی صلح»، مساله‌مند است. مشخص نیست از کجا نشئت می‌گیرد؟ چگونه شکل می‌گیرد؟ چگونه عمل می‌کند؟ با چه چالش‌هایی مواجه است؟ چگونه راه برون شداز این چالش‌ها فراهم می‌شود؟ تاریخ و جامعه و فرهنگ و تمدن چگونه باید این «اخلاقیات صلح» را بیابند و کشف یا ابداع و تفسیر و یا بازسازی و بازخوانی کنند؟.

ایده راهنما و مفروض کلیدی ما در این رابطه این است که برای شناخت دقیق و عمیق «مساله‌مندی اخلاقیات اجتماعی صلح» ما نیازمند «فهم هرمنوتیکی» آن گونه از «متن‌های دینی» هستیم که از جنس و آلیاژ «حکمت» Theosophy هستند و به تبع آن خاستگاه شکل دادن به اخلاقیات اجتماعی صلح نیز شده‌اند^۲.

۱- در موردمعنای «فلسفه اخلاق» نگاه شود به :

* اکتینسون ، ا.ا.اف (۱۳۹۱) درآمدی بر فلسفه اخلاق ، سهراب علوی نیا ، تهران، انتشارات هرمس.

* بادبوی، آن (۱۳۸۷) اخلاق - رساله ای در ادراک شر، باوند بهپور، تهران، نشر چشمه .

داروال، استیون و همکاران (۱۳۸۰) نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم ، مصطفی ملکیان، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی .

- نیز نگاه شود به :

*Pojman, L. P (1998), Ethical theory: classical and contemporary readings, Wadsworth pc (Part 1, what is ethics, 2-7).

*Rachels, J (1998) Ethical theory, oxford up (introduction, 2-23).

۲- در مورد «فهم هرمنوتیکی» و «فهم روایتی» و «تحلیل متن» نگاه شود به:

*بژه، دیوید.ام (۱۳۸۸) تحلیل روایت و پیشا روایت: روش های روایی در تحقیقات اجتماعی، حسن محدثی، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه ها .

* ربیعی، تیم (۱۳۹۵) راهنمای عملی تحلیل و گفتگو، گفتمان و سند، عبدا... بیجرانلو ، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .

* گروندن، ژان (۱۳۹۵) هرمنوتیک ، محمد رضا ابوالقاسمی ، تهران، نشر ماهی.

*یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لویز (۱۳۸۹) نظریه و روش در تحلیل گفتمان ، هادی جلیلی ، تهران، نشر نی .

* دیلتای، ویلهلم (۱۳۹۴) دانش هرمنوتیک و مطالعه تاریخ ، منوچهر صانعی دره بیدی ، تهران، ققنوس .

* ریکور، پل (۱۳۹۰) زندگی در دنیای متن : شش گفتگو و یک بحث ، بابک احمدی ، تهران ، نشر مرکز .

*نیچه ، فردریش / هایدگر ، مارتین / گادامر ، هانس - گئورگ / و دیگران (۱۳۹۱) هرمنوتیک مدرن : گزینه جستارها، بابک احمدی ، مهران مهاجری و محمد نبوی ، تهران، نشر مرکز.

* کوزنز هوی ، دیوید (۱۳۸۵) حلقه انتقادی: هرمنوتیک، تاریخ، ادبیات و فلسفه، مراد فرهادپور، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

* پالمر، ریچارد .ال (۱۳۸۹) علم هرمنوتیک ، محمد سعید حنایی کاشانی ، تهران، هرمس.



«اخلاقیات اجتماعی»، social morality and morals از منظر جامعه‌شناختی، خود ناظر به اصول و قواعد عرفی هنجاری هدایت‌کننده و جهت‌دهنده به رفتارها و کردارهای فردی اجتماعی اعضای جامعه‌اند و عمدتاً برگرفته از فرهنگ و اجتماع‌اند و از یک زمانه تاریخی آغازین نیز که سپیده تاریخ تمدن بشری است نشأت گرفته‌اند. اخلاقیات اجتماعی هم به شکل حقوق عرفی متعارف و الزامی و هم به صورت اصول اخلاقی اختیاری‌اند. اینها بن‌مایه تنظیم‌کننده عمل به «امر خیر» (نیکی و خوبی و سعادت) و «دستورالعمل مقابله با «امر شر» (بدی و تباهی و شرارت و شقاوت)‌اند^۱.

این اخلاقیات اجتماعی نیز بر حسب مقتضیات از خاستگاه دینی نیز برخوردارند تا جایی که می‌توان به صراحت از «اخلاقیات اجتماعی دینی» religious social ethics and morals نام برد. منظور آن اخلاقیاتی است که جزو ارکان دینی‌اند، از حیث تئوریک و پراتیک تابع الزامات دینی‌اند و لذا بر پیروان ادیان وظیفه است که به این آموزه‌ها به عنوان نوعی تکلیف عبادی نگاه کنند^۲.

۱- در مورد «اخلاقیات اجتماعی» نگاه شود به :
* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۲) جامعه، فرهنگ و اخلاق: درآمدی نظری بر اخلاق اجتماعی؛ در جامعه ایرانی و اخلاق اجتماعی (۱۳۹۲) پژوهش‌نامه شماره ۱۱۲، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی - مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۴۶-۱۱.
(پنسی، مکس (۱۳۸۸) «جامعه، اخلاق و حقوق: یورگن هابرماس» در: کیت‌نش و آلن اسکات (ویراستاران) راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، قدیر نصری و محمد علی قاسمی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد اول، فصل ۵، ۸۲-۷۰.
* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۸) «یورگن هابرماس: از حقوق، اخلاق و سیاست لیبرال به سمت قانون و دموکراسی گفتگوی»، دانشنامه علوم اجتماعی (فصلنامه دانشگاه تربیت مدرس) شماره ۱، ۹۳-۱۲۴.
* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۴۰۰) جامعه‌شناسی (های) اخلاق: اخلاق و فرهنگ و جامعه، گفتگو با «فصلنامه حیات معنوی»، سال ۳، شماره ۸، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۹۱-۲۲۰ (بخش اقتراح) / قابل دسترسی اینترنتی در آدرس زیر :

<http://post/com.blogfa.mystudents-for://:۵۱۸>

- نیز نگاه شود به :

Smith, T (1991) the role of social ethics in social theory; essays from habermasian perspectives, state university of New York (chap1, the role of philosophical discourse in social theory, 1-30

۲- در مورد «اخلاقیات اجتماعی دینی» نگاه شود به :

* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸) اخلاقیات اجتماعی دینی در حکمت شیعی: مطالعه موردی دانش، حدیث و دعای شیعی / سخنرانی در «همایش اخلاق و جامعه ایرانی» (جهاد دانشگاهی - ۳۰ آذر ۱۳۹۸) // «پانل اخلاق و دین» - قابل دسترسی اینترنتی در آدرس زیر :

<http://post/com.blogfa.mystudents-for://:۳۶۲>

<https://www.ignn.ir/news/fa/۳۵۵۵۴۱۶>



اما منظور ما از «حکمت» همان قواعد عملی یک زندگی اخلاقی معنوی‌اند. حکمت (ها) توصیه‌ها و خط‌مشی‌ها و رهنمودهای ارزشی هنجاری معنوی جهان شمولی هست (ند) برگرفته از الاهیات و فلسفه و تجربه زیسته بشری که هم انسان مدارانه‌اند و هم زیستنی سعادت‌مند را به صورتی عام‌گرایانه و فراسوی محدودیت‌های فرهنگی و آن سوی مرزبندی‌های عقیدتی ادیان رسمی و فراتر از قید و بندهای محلی‌گرایانه و خاص‌گرا توصیه و ترویج و تبلیغ کرده و تذکر و آموزش نیز می‌دهند.^۱ از این لحاظ و تا جایی که با «حکمت اسلامی» مرتبط است، درچند متن دینی که از جنس معارف اسلامی و شیعی‌اند؛ می‌توان به این حکمت دست یافت و اخلاقیات صلح را در متن این متون به صورت هرمنوتیکی و معناکاوانه آن فهم کرد.^۲ به طور خاص (مجزا از

۱- در مورد معنای "حکمت" نیز نگاه شود به :

* مالک حسینی (ترجمه و تالیف) (۱۳۸۸) حکمت : چند رویکرد به یک مفهوم ، تهران ، نشر هرمس.

۲- در مورد "ظرفیت متون دینی برای صلح سازی" نگاه شود به :

* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹) ظرفیت های متون دینی برای سیاست صلح گرایی و حل گفتگوی منازعه : مروری فشرده بر متون ادیان ابراهیمی، خلاصه این مقاله به « دومین کنفرانس بین المللی صلح و حل منازعه» [دانشگاه تهران، دانشکده مطالعات جهان، ۱۹ و ۲۰ خرداد ۱۳۹۹] ارائه شده است.

[ir.ac.ut.icpcr//:http.www](http://www.ir.ac.ut.icpcr/)

icpcr@ut.ac.ir

- نیز نگاه شود به :

نجاتی حسینی، سید محمود (۱۴۰۰) تحلیل جامعه شناختی توانش صلح سازی پیمان های بینا دینی و درون دینی: از " پیمان بینادینی ابراهیم" اسرائیل و اعراب تا "پیمان درون دینی محمد" مسلمانان؛ بحث ارائه شده در [سومین همایش بین

المللی صلح و حل منازعه: دانشگاه تهران- ۲۶ و ۲۷ مهر ۱۴۰۰].

[ir.ac.ut.icpcr//:http](http://www.ir.ac.ut.icpcr/)

icpcr@conf.ut.ac.ir

سه شنبه ۲۷ مهر ، پانل "روان شناسی اجتماعی صلح و حل منازعه"؛ ساعت ۸ تا ۹:۳۰؛ در لینک زوم

<https://us.zoom.us/j/848698567541>



سر متن مقدس اسلام و ادیان ابراهیمی- قرآن کریم- که مستلزم پژوهشی مستقل است^۱چند «متن حکمتی» در این جستار منظور نظر ما واقع شده‌اند:

«نهج‌الفصاحه» (سخنان منسوب به پیامبراسلام)؛ نهج‌البلاغه (سخنان منسوب به امام علی)؛ صحیفه سجادیه (دعاهای منسوب به امام سجاد)؛ رساله الحقوق (منسوب به امام سجاد)؛ و مثنوی شریف معنوی یا قرآن عجم و زبور پارسی (آرای عقیدتی و ایده‌های معرفتی جلال الدین محمد مولوی بلخی)^۲.

اما برای فهم هرمنوتیکی «اخلاقیات صلح» ما منطقاً نیازمند متن کاوی هستیم به قصد یافتن مواضع مرتبط با «صلح و ناصح» در متون حکمتی مورد نظر. زین روی منطق پژوهش هرمنوتیکی و متن کاوی ایجاب می‌کند تا برای شروع کار الگوی تئوریک از «فضای مفهومی» دو مقوله مهم مرتبط با اخلاقیات صلح (صلح/ ناصح) را مبنای بحث قرار دهیم. این الگو هم باید ناظر به ماهیت تئوریک (وجه ذاتی) مساله صلح/ ناصح باشد و هم ناظر به مفاهیم مرتبطی که در متون حکمتی در باره صلح / ناصح آمده است (وجه عرضی).

بنابراین در شکل ۱ تلاش شده تا الگوی اصلی ترسیم و فضای مفهومی اخلاقیات

۱- در مورد "طرفیت هرمنوتیک دینی و متن کاوی قرآن" نیز نگاه شود به :

* حامد ابوزید، نصر (۱۳۸۹) معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن، مرتضی کریمی نیا، تهران، طرح نو.

۲- مشخصات کتاب شناختی چند «متن حکمتی» مورد بررسی ما به شرح زیرند :

* کریمی فریدونی، علی (۱۳۸۴) برگردانی تازه از نهج الفصاحه: پرتوی از پیام پیامبر، تهران، حلم.

* دشتی، محمد (مترجم) (۱۳۹۰) نهج البلاغه امام علی، با تجدید نظر و پرايش جديد، قم، موسسه فرهنگي و تحقيقاتي امير المومنين ع، انتشارات نشتا (بافراي).

* موسوی گرم‌رودی، علی (مترجم) (۱۳۸۵) صحیفه سجادیه -نمایش های جاودانه حضرت علی بن الحسین، تهران، نشر هرمس.

* سعیدیان، محسن (مترجم) (۱۳۹۰) رساله الحقوق امام سجاد - متن کامل عربی و پارسی، قم، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

* مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۵) مثنوی شریف معنوی- نسخه قونیه، با مقدمه و تصحیح عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۲ جلد.



صلح (وجه ذاتی و تتوریک که «تعریف اسمی» نیز هست) نشان داده شوند. این بازیابی به مدد تفحص در فرهنگ واژگانی صورت گرفته است و اندکی نیز به سمت وجه عرضی یا متنی که در آن معانی خاص متن‌های حکمتی از مفهوم صلح / ناصالح دارند متمایل شده است.

اما تعیین وجه عرضی یا متنی باید به مدد «بازیابی متن»، که جزء مهمی از متن کاوی است، از طریق رویه «مطالعه اکتشافی» متون تحت بررسی انجام شود. لذا تنها بر مبنای این رویه است که می‌توانیم مستندات متنی «اخلاقیات صلح» در متون حکمتی مزبور را بازخوانی کنیم. این کار، همان گونه که پیشتر نیز متذکر شدیم، پیش از هر چیز منوط به بازیابی شاخصه‌های تعریف دو مفهوم کلیدی و مقوم «صلح / ناصالح» است.

پس به این منظور کافی است تا صرفاً «نمونه‌های معرف» (مفاهیم منتخبی که می‌توانند بیانگر همه ویژگی‌های مقوله مورد بررسی باشند) از مستندات متنی حکمتی مورد بررسی (نهج الفصاحه، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، مثنوی شریف معنوی، رساله الحقوق) معرفی و تفسیر معناکاوانه شوند. همانگونه که ملاحظه خواهد شد در این «شبکه متون دینی» (متن‌های حکمتی اسلامی و شیعی که از حیث عقیدتی- معرفتی و معنایی به صورت سیستمی به هم پیوسته‌اند) مساله «اخلاقیات صلح» قاعدتاً پژواک و طنین معنایی خاصی دارد.



فضای مفهومی صلح / ناصح

مقوله	وجه ذاتی (تئوریک)
صلح	آرامش و آسایش/ ثبات/ امنیت/ نظم/ رهايش از خشونت، تعارض و تنازع/ نبود خشونت جمعی سازمان یافته/ نبود خشونت بدنی، زبانی، روحی/ نبود فساد و امر شر و بود امرخوب/ دوستی/ سازش و آشتی/ تفاهم و توافق/ گفتگو و مذاکره و مفاهمه/ نبود قهر و نزاع و مخاصمه/ رفتار مسالمت آمیز.
ناصح	خشونت/ تعارض/ تنازع/ تعصب/ تبعیض/ عدم مدارا/ تضاد/ تناقض/ بدفهمی و کژفهمی/ توهین/ تهمت/ دروغ گوئی/ فریب کاری/ شیادی/ فساد/ جرم و جنایت/ ناهنجاری/ بی نظمی/ آشوب و شورش/ تخریب/ تحریف/ تشویش/ اختلاف/ خصومت و دشمنی و عناد/ کین تیزی/ نفرت پراکنی/ تفرقه افکنی/ سیاه نمایی.

(ماخذ: نگارنده)

بنابراین ابتدا به توصیف فضای مفهومی «صلح» در شبکه متون دینی موردنظر خواهیم پرداخت. سپس در این شبکه از متون دینی مورد بررسی به تحلیل فضای مفهومی «اخلاقیات صلح» می پردازیم.

[۲] فضای مفهومی «اخلاقیات اجتماعی صلح» در سرمتن مقدس

برای شناخت و فهم هرگونه مقوله دینی باید به «سرمتن» arche text (متن مادر و متن محل ارجاع همه متون مرتبط) مراجعه نمود. برای شبکه متون دینی در اسلام و تشیع نیز باید در بدو امر به «قرآن» که سر متن است مراجعه نمود. هر چند تامل و تفحص در این سرمتن، همانگونه که پیش تر نیز یادآور شدیم خود موضوعی است مستقل برای پژوهش، با این وصف در اینجا و برای کمک به فهم و معناکاوای فضای مفهومی صلح مراجعه اجمالی به این سر متن ضروری و بایسته است؛ هرچند ممکن است این واری اجمالی ما نتواند به درستی و نیکی حق مطلب را در این باره ادا کند. از این حیث یک واری آماری اولیه نگارنده نشان می دهد که نزدیکترین مقوله کلیدی مرتبط با «صلح» در قرآن مقوله های «عمل صالح و صالحات، صالحین،



صالحون و اصلاح بین الذات « هستند و حدود ۱۵۰ بار نیز در سور مختلف آمده‌اند. وفق این واری، و حسب نمونه‌گیری معرف از سور و آیات قرآنی مزبور به فهم چند ایده کلیدی در سپهر «صلح‌گرایی» می‌توان رسید که در قرآن طرح بحث آن به طور مفصل و مجمل صورت گرفته است، و در زیر نیز چند نمونه آن عرضه می‌شود. ملاک پذیرش بندگی خداوند تنها داشتن ایمان و عمل صالح است (سوره بقره :

آیه ۲ /سوره مائده :آیه ۶۹) [من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا]؛

خداوند اصل و اساس صلح‌گرایی است و او صلح‌گرایان را هدایت کرده و دوست می‌دارد (سوره اعراف: آیه ۱۹۶) [ان ولی الله الذی انزل الكتاب و هو یتولی الصالحین]؛ تقوی و خویش‌ن‌داری مومنانه مایه صلح است و بن‌مایه صلح‌گرایی که ضرورت زندگی است (سوره انفال: آیه ۱۴) [فاتقوا الله واصلحو ذات بینکم]؛

عمل صالح و صلح‌گرایانه تنها ملاک مومن بودن است و مایه داشتن یک زندگی معنوی اخلاقی پاکیزه و سالم بوده و فارغ از جنسیت و قومیت و تفاخر نژادی نیز عمل می‌کند (سوره نحل: آیه ۹۷) [من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنجینه حیوه طیبه و لنجینه اجرهم باحسن ما کانوا یعملون]؛

برای مومنان و عاملان به صلح و دارندگان عمل صالح پاداشی بزرگ درخور بهشت هست (سوره کهف: آیات ۱۰۳ و ۱۰۷ /سوره مریم: آیه ۶۰) [ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنات / الا من تاب و آمن و عمل صالحا و اولئک یدخلون الجنة]؛

نتیجه نیکوی عمل صالح و صلح‌گرایی به خود فرد نیز بر می‌گردد و نتیجه عمل ناصالح نیز به هم چنین (سوره روم: آیه ۴۴) [من عمل صالحا فلنفسه و من اساء فعلیها].

اما آنچه در سرمتن مقدس درباره «صلح» صورت‌بندی شده است نشان‌دهنده



این است که طبق نص قرآنی، هرگونه نگرش و گرایش و ایستار و رفتار مرتبط با «صلح‌خواهی و صلح‌گرایی و صلح‌سازی» به معنای قرآنی آن- «عمل مومنانه اخلاقی سعادت بخش در حیات دنیوی و اخروی» - ضروری ایمان‌ورزی و اعتقاد به دین و بن‌مایه عبودیت خداوند است.

بر این مبنا نیز می‌توان این تفسیر جامعه‌شناختی را داشت که «صلح‌خواهی و صلح‌گرایی و صلح‌سازی» و گرامی‌داشت صلح به معنای قرآنی آن، از چند ویژگی اجتماعی فرهنگی مهم و موثر و مقوم برای زیست فردی و جمعی برخوردار است: اول- صلح‌خواهی و صلح‌گرایی و صلح‌سازی، «امری بینا دینی» است، دست کم در محدوده ادیان ابراهیمی که مورد نظر و خطاب قرآن است و لذا می‌تواند صلح‌ساز برای زیست مسالمت‌آمیز پیروان همه ادیان یهودی و مسیحی و اسلامی باشد.

دوم- صلح‌خواهی و صلح‌گرایی و صلح‌سازی، «امری بینا ذهنیتی» نیز هست، به این معنا که همه باید آن را بخواهند و فهم کنند و برای ایجاد آن نیز به تفاهم برسند و لذا امری است هم فردی و هم جمعی.

سوم- صلح‌خواهی و صلح‌گرایی و صلح‌سازی، «امری بینا سپهری» است، به این مفهوم که آثار نیکو و سازنده آن صرفاً در این زیست خاکی و زمینی محدود و موقتی نمی‌ماند بلکه از سپهر دنیوی به سپهر اخروی که زیست بی‌کران و بی‌زمان است نیز تسری می‌یابد.

[۳] فضای مفهومی «اخلاقیات اجتماعی صلح» در متون معارف اسلامی و شیعی

(۱) نهج الفصاحه

می‌توان شاهد پژواک زبان شناختی و طنین معنا شناختی «صلح‌گرایی و صلح



خواهی و صلح‌سازی» از سر متن قرآنی به متون دینی اسلامی و شیعی نیز بود. از این لحاظ در اولین متن حکمتی مورد واریسی ما- «نهج‌الفصاحه» - به خوبی جا پای این پژوهاک قابل مشاهده است. وفق واریسی اولیه و کاویدن چند نمونه معرف از حکمت‌های نهج الفصاحه (بیانات منسوب به پیامبر اسلام) چند ایده کلیدی به دست آمده است.

ایده‌های مهمی که نشان می‌دهد در این متن دینی، به اصطلاح «دال گفتمانی» discursive signifier (دلالت‌کننده زبان شناختی و معناشناختی به سمت یک مدلول) مرتبط با «صلح» مقوله شالوده‌ای یا «دال‌محوری» nodal point (دلالت‌کننده اصلی که محور همه دلالت‌های دیگر است) مفهوم «اصلاح بین‌الذات» است که تعبیر مدرن و جامعه‌شناختی آن می‌تواند همان «صلح‌خواهی و صلح‌گرایی و صلح‌سازی» باشد. در چند نمونه زیر این امر به خوبی نشان داده شده است.^۱

صلح بین مسلمین روا و جایز است، مگر صلحی که ناقض اصول و قواعد دین باشد (حکمت ۱۸۷۳) [الصلح جائز بین المسلمین الا صلحا احل حراما و حرامه حلالا]؛ برترین بخشش و انفاق، صلح‌گرایی و صلح‌سازی بین مردم است (حکمت ۴۰۷) [افضل الصدقه اصلاح ذات البین]؛

از نتایج تقوای الهی، ایجاد صلح و آشتی میان مردمان است (حکمت ۴۹) [اتقواالله... و اصلحوا ذات بینکم]؛

ایجاد صلح بین مردمان، بزرگ‌ترین مصلحت است (حکمت ۳۱۸) [اصلاح بین الناس ولو تعنی الکذب]؛

فرد صلح‌گرا و صلح‌ساز، شایسته‌ترین مردمان است (حکمت ۳۱۷) [اصح الناس اصلاحهم للناس]؛

۱- کرمی فریدونی، علی (۱۳۸۴) برگردانی تازه از نهج الفصاحه: پرتوی از پیام پیامبر، تهران، حلم.



صلح‌گرایی و صلح‌سازی بین مردمان برتر است از فرایض دینی، چون مانع از ایجاد فساد بین مردمان می‌شود (حکمت‌های ۴۵۸، ۲۳۹۵، ۲۳۸۱) [الاخبرکم بافضل من درجه الصيام و الصلوه و الصدقه ...اصلاح ذات البین فان فساد ذات البین هی الحاقه]؛

ایجاد صلح بین مردمان، نیکوترین اعمال (حکمت ۲۶۵۱) [ماعمل ابن آدم شیئا افضل من الصلوه و اصلاح ذات البین]؛

بی‌دانشی و بی‌آگاهی مایه فساد و تخریب صلح است (حکمت ۳۰۵۸) [من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح]؛

اصل دانایی در زندگی ایجاد صلح است (حکمت ۳۰۴۷) [من فقه الرجل من یصلح معیشته].

۲) نهج البلاغه

متفاوت با صورت‌بندی‌های متن "نهج الفصاحه" که محوریت آن نگاه اجتماعی فرهنگی به "صلح‌خواهی و صلح‌گرایی و صلح‌سازی" است، اما در متن نهج البلاغه عمدتاً ما با مقوله "صلح" به عنوان یک قانون و قاعده حکومتی مواجهیم که ایجاد و حفظ آن از مصالح امت اسلامی است. از نظر تاریخی و وفق مندرجات تاریخ صدر اسلام^۱ دوره پر تلاطم حاکمیت خلفای راشدین (ابوبکر، عمر و عثمان) و دوره زمام

۱- برای "تاریخ صدر اسلام" به نمونه نگاه شود به :

*فیاض، علی اکبر (۱۳۸۸) تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه تهران.

*شهیدی، سید جعفر (۱۳۹۲) تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .

*احمد، اکبر (۱۳۸۹) اسلام از آغاز تا امروز، اردشیر نراقی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .

*سرخوش کرتیس، ویستا و دیگران (۱۳۹۳) برآمدن اسلام، کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز .



داری امام علی (در نیمه اول سده ۱ هجری/ ۷ میلادی) و بروز منازعات فرقه‌ای^۱ و شورش‌ها و جنگ‌های درون طایفه‌ای در مرزهای شبه جزیره عرب خود به خود "مساله صلح‌سازی" را مطرح کرده بود. زین سبب جای تعجب نیست که نگاه "نهج‌البلاغه" به این مقوله نیز از جنس "سیاسی" و کاملاً حاکمیتی و استراتژیکی با هدف تأمین مصالح اجتماع مسلمین و امت اسلامی باشد.^۲

از این منظر یک مرور اجمالی بر «نهج‌البلاغه» (بخش «نامه‌ها» و «خطبه‌ها») نشان می‌دهد که محور کلیدی در نگاه به «صلح» (ارزش دادن به صلح) و «اخلاقیات صلح» (هنجار صلح‌سازی) پیرامون مقوله‌های مهمی است که نمونه‌های آن در خطبه ۱۲۵ و نامه‌های شماره ۵۳، ۵۸ و ۷۴ آمده است.^۳

«ضرورت صلح میان مسلمین، تلاش همگانی برای پایداری صلح، پذیرش یک صلح شرافتمندانه و عزت‌مدار، هوشمندی به هنگام تدوین پیمان صلح، وفاداری به مفاد صلح منعقد شده، عدم فریب و خیانت طرفین به مفاد صلح، رعایت اخلاق‌مداری در انشائ مفاد صلح به دور از هرگونه نیرنگ سیاسی».

در قطعات زیر نمونه‌وار خلاصه‌ای از ایده‌های دینی «صلح‌گرایی اخلاقی و اخلاقیات صلح» مندرج در این نامه‌ها و خطبه‌ها ارائه می‌شود:

هرگز پیشنهاد صلح دشمن را که خشنودی خداوند در آن است، رد مکن؛ که آسایش

۱- در مورد "منازعات فکری فرقه‌ای" در تاریخ صدر اسلام نیز نگاه شود به :

*مونتگمری وات ، ویلیام (۱۳۸۹) فلسفه و کلام اسلامی ، ابوالفضل عزتی ، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .

*نوبختی ، حسن بن موسی (۱۳۹۶) فرق الشیعه ، محمد جواد مشکور (ترجمه و تعلیقات) ، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .

۲- در مورد "وجه سیاسی اسلام" نگاه شود به :

* عبدالرزاق ، علی (۱۳۹۱) اسلام و مبانی قدرت ، امیر رضایی ، تهران ، نشر قصیده سرا .

۳- دشتی ، محمد (مترجم) (۱۳۹۰) نهج البلاغه امام علی ، با تجدید نظر و ویرایش جدید ، قم ، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیر المومنین ع ، انتشارات نشتا (بافرانی) .



رزمندگان و آرامش فکری تو [حاکم] و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد (نامه ۵۳ / بند ۱۳۳) [و لا تدفعن صلحا دعاک الیه عدوک ولله فیه رضی؛ فان فی الصلح دعه لجنودک و راحه من همومک و امنا لبلادک]؛

حال اگر پیمان [صلحی] بین تو [حاکم] و دشمن منعقد شد، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد [صلح] خویش وفادار باش و بر آن چه به عهده گرفتی امانت دار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست (نامه ۵۳ / بند ۱۳۳ تا ۱۳۵) [و ان عقدت بینک و بین عدوک عقده، او البسته منک ذمه، فحط عهدک بالوفاء، و ارفع ذمتک بالامانه، و اجعل نفسک جنه دون ما اعطیت، فانه لیس من فرائض الله شیئ الناس اشد علیه اجتماعا... من تعظیم الوفاء بالعهد]؛

پس هرگز پیمان شکن [صلح] مباش، در عهد [صلح] خود خیانت مکن، دشمن را [در صلح] فریب مده، زیرا کسی جز نادان بدکار بر خداوند گستاخی روا نمی‌دارد (نامه ۵۳ / بند ۱۳۵) [فلا تغدرن بذمتک، و لا تخینن بعهدک، و لا تختلن عدوک، فانه لایجتری علی الله الا جاهل شقی]؛

پس فساد و خیانت و فریب در عهد و پیمان [صلح] راه ندارد، مبدا [حاکم] قرارداد [صلحی] را امضا کنی که در آن برای دغل‌کاری و فریب راه‌هایی وجود دارد (نامه ۵۳ / بند ۱۳۷) [فلا ادغال و لا مدالسته و لا خداع فیه، و لا تعقد عقد اتجوز فیه العلل]؛

همچنین در خطبه ۱۲۵ «نهج البلاغه» و به هنگام توصیف رخ داد «حکمت» به ماهیت موثر و سازنده «اخلاقیات صلح» و تأثیرات سازنده آن بر اجتماع مسلمین نیز اشاره شده است :

اما سخن شما [کوفیان و خوارج خواهان حکمت میان امام و معاویه] که چرا



میان خود و آنان برای حکمیت مدت معین نمودی، من این کار [صلح و سازش] را کردم تا نادان خطای خود را بشناسد، و دانا بر عقیده خود استوار بماند، و این که شاید در ایام صلح و آشتی و مدت سازش خدا کار امت را اصلاح کند و راه تحقیق و شناخت حق باز باشد... [و اما قولکم.... فانما فعلت ذالک... و لعل الله ان یصلح فی هذه الهدنه امر هذه الامه...].

اما در بخش «حکمت» های نهج البلاغه (۴۸۰ مورد) نیز مواردی از اشارت‌ها به «اخلاقیات صلح» قابل بازیابی است که عمدتاً پیرامون چند مقوله مهم مرتبط است؛ این «حکمت» ها - متفاوت از نامه‌ها و خطبه‌ها که عمدتاً ماهیت سیاسی دارند- ماهیتاً اجتماعی مدنی فرهنگی اخلاق هستند. از جمله می‌توان به این چند مقوله اشاره نمود که مبنایی برای «صلح‌سازی و صلح‌خواهی و صلح‌گرایی» اند:

«یک «زیست مردمی» همراه با «رعایت اخلاق»؛ و داشتن «رفتار نیکوکارانه» و «نگرش خیرخواهانه» به دیگران؛ «معنویت‌گرایی در زندگی»»

چند نمونه معرف از این «حکمت» ها در زیر می‌آید:

- با مردم چنان زیست کنید که اگر مردید بر شما بگریند، و اگر زنده ماندید مشتاقان باشند (حکمت ۱۰) [خالطو الناس، مخالطه، ان متمر معها بکوا علیکم، و ان عشتم، حنوا الیکم]؛

- اگر بر دشمنت دست یافتی و پیروز شدی او را به شکرانه پیروزی ببخش (حکمت ۱۱) [اذا قدرت علی عدوک، فاجعل العفو عنه، شکراً للقدرة علیه]؛

- دل‌های گریزان مردم به سمت کسی متوجه می‌شود که با مردمان خوشرو و خوش برخورد باشد (حکمت ۵۰) [قلوب الرجال و حشیه، فمن تالفها اقبلت علیه]؛

- چون مردمان ستایش کردند، تو بیشتر و به تر ستایش‌شان کن و چون به تو احسان کردند، تو نیز بیشتر به آنان احسان کن (حکمت ۶۲) [اذا حییت بتحیه فحی



باحسن منها، و اذا اسديت اليك فكافئها بما يري عليها؛

- کسی که میان خود و خدای را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد نمود؛ و کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد نمود (حکمت ۸۹) [من اصلح ما بينه و بين الله، اصلح الله ما بينه و بين الناس؛ و من اصلح امر اخرته، اصلح الله امر دنياه]؛

- دوستی با مردمان نیمی از خردمندی است (حکمت ۱۴۲) [التودد نصف العقل]؛

- هر که استبداد رای داشته باشد هلاک خواهد شد، اما آن که با دیگران مشورت کند خود را شریک عقل‌های دیگران می‌سازد (حکمت ۱۶۱) [من استبد برایشه فقد هلك، و من شاور الرجال، شاركها في عقولها]؛

- ناسپاسی مردم تو را از کار نیک باز ندارد (حکمت ۲۰۴) [لايزهدنك في المعروف من لايشكره له]؛

- ستم بر بندگان خداوند، بدترین توشه برای آخرت است (حکمت ۲۲۲) [بئس الزاد الى المعاد، العدوان على العباد]؛

- عدل همان انصاف نسبت به مردمان و احسان نیز همان بخشش به مردمان است (حکمت ۲۳۱) [العدل: الانصاف؛ و الاحسان: التفضل]؛

- دشمنی با مردمان، سختی و رنج و هلاکت به بار می‌آورد (پیوست حکمت ۲۶۰) [ان للخصومه قحما]؛

- به بازماندگان دیگران نیکی کنید تا حرمت بازماندگان‌تان را نگه دارند (حکمت ۲۶۴) [احسنوا في عقب غيركم، تحفظوا في عقبكم]؛

- در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد؛ و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن شاید روزی دوست تو شود (حکمت ۲۶۸) [احب حبيبك هونا ما، عسى ان يكون بغضك يوما ما؛ و ابغض بغضك هونا ما، عسى ان يكون حبيبك يوما ما]؛



- شایسته نیست به سخن کسی بد گمان باشی و سوء ظن رواداری، چرا که برداشت نیکو نیز از سخن دیگران می‌توان داشت (حکمت ۳۶۰) [لا تظنن بکلمه خرجت من احد سواء و انت تجدلها فی الخیر محتملا]؛

- عدالت را بگستران و از ستم کاری پرهیز کن؛ که ستم رعیت را به آوارگی کشاند؛ و بی‌دادگری مردمان را به مبارزه و جنگ و شمشیر کشیدن وادار می‌کند (حکمت ۴۷۶) [استعمل العدل، و احذر العسف و الحیف؛ فان العسف يعود بالجلاء، و الحیف يدعو الى السيف].

۳) رساله الحقوق

در «رساله الحقوق» (منسوب به امام سجاد) که آموزه‌های اخلاقی د باره «نگرش- گرایش- رفتار نیک و خیرخواهانه» نسبت به دیگران آمده است؛ می‌توان نکته‌هایی درباره زندگی مسالمت‌آمیز و زندگی «صلح‌جویانه» یافت. کلیت رساله البته شامل سه بخش است: «حق الله، حق النفس و حق الناس»، که بخش اخیر آن مرتبط با بحث ما است. از این لحاظ و با نگاه جامعه‌شناختی، و به نظر ما می‌توان گفت که موضوع «حق الناس» در نظامات حقوق اسلام^۱ (آنچه در نظامات مدرن حقوق و در

۱- برای آشنایی با موضوع «حق الناس» در نظامات حقوق اسلام نگاه شود به :

*نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۱)نسبت اجتماعی حق - وظیفه در گفتمان دینی: تحلیل محتوای نهج البلاغه و نهج الفصاحه، دو فصلنامه تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، س۴، ش ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۸۰-۳۱.

*نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۴) خاستگاه‌های عقیدتی - دینی در نگرش - گرایش به مصالح جمعی: مطالعه موردی دعا، حدیث و حکمت شیعی، در: بحرانی، مرتضی (تدوین و ویرایش) (۱۳۹۴) فرد گرایی و جمع گرایی در آموزه های اسلامی - مجموعه مقالات، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صص۳۵۵-۳۹۶.



متن های «جامعه‌شناسی و فلسفه حقوق»^۱ با عنوان «حقوق بشر و شهروندی» human citizenship right & از آن نام می‌برند^۲ موضوعی مهم و مرتبط است برای بحث از «صلح»؛ و نیز منظری است برای مقایسه آموزه‌های دینی و اخلاق اسلامی و شیعی با مواضع تئوریک در متون آکادمیک حقوق بشر و شهروندی مدرن.

بنابراین با نگاه حاضر «رساله الحقوق» متنی دینی است، از جمله متون معارف اسلامی شیعی، که درباره «صلح‌گرایی، صلح‌خواهی، صلح‌سازی» است.^۳ در زیر خلاصه‌ای از دیدگاه‌های اخلاقی صلح در «رساله الحقوق» آمده است. این دیدگاه‌ها وفق فرمت ادبی این نوع متون دینی، در قالب مجموعه‌ای از آموزه‌های دینی هنجاری و اخلاقی صورت‌بندی بیان شده است و لذا ناظر به داشتن «رفتار درست با دیگران» است- رفتاری که زمینه‌ساز «صلح» به معنای موسع آن (مدارا، دوستی، آسایش،

۱- در مورد "جامعه‌شناسی و فلسفه حقوق" نگاه شود به :

* راسخ، محمد(ترجمه و تالیف)(۱۳۸۱)حق ومصلحت:مقالاتی درفلسفه حقوق، فلسفه حق وفلسفه ارزش ،تهران، طرح نو .

*تروپه، میشل (۱۳۸۹) فلسفه حقوق،مرتضی کلانتریان، تهران، آگه.

* ویکس، ریموند (۱۳۸۶) فلسفه حقوق،فاطمه آبیاری، تهران، رخ دادنو.

* وکیو، دل (۱۳۸۶) فلسفه حقوق، جواد واحدی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

* گوریچ، ژرژ (۱۳۵۲) مبانی جامعه‌شناسی حقوقی، حسن حبیبی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

* لوی برول، هانری (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی حقوق، ابوالفضل قاضی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

* لوی برول، هانری و دیگران (۱۳۷۱) حقوق و جامعه‌شناسی، مصطفی رحیمی، تهران، سروش

* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۵) اخلاق، حقوق و جامعه: درآمدی بر جامعه‌شناسی حقوق و اخلاق ژرژ گوریچ، پژوهشنامه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار، شماره ۱، بهار، صص ۵۸-۸۱.

۲- برای «نظامات مدرن حقوقی» و «حقوق شهروندی مدرن» نگاه شود به :

* لاگلین، مارتین (۱۳۸۸) مبانی حقوق عمومی، محمد راسخ، تهران، نشرنی .

* جانسون، گلن (۱۳۷۷) «اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن»، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: شرفی.

* فالکس، کیت (۱۳۹۰) شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کوبر.

*نجاتی حسینی، سیدمحمود(۱۳۸۷)واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران،در:کوثری،مسعود/نجاتی حسینی،سیدمحمود(ویراستاران)(۱۳۸۷)انقلاب اسلامی، جامعه و دولت: مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران، کوبر، صص۱۲۳-۱۷۳.

۳- سعیدیان، محسن (مترجم) (۱۳۹۰) رساله الحقوق امام سجاد - متن کامل عربی و پارسی، قم، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.



آرامش، شفقت، مهربانی، خیرخواهی، دلسوزی، دل نگرانی، مراقبت، بخشش، عفو، و ... است.

حق آموزگار: «با او جدال مکن، از او دفاع کن، عیب او را بپوشان، و محاسن او را بیان کن» (بند ۱۵ / صفحه ۳۷)

حق خانواده و خویشاوندان: «با آنها به رفق مدارا کن، و آنها را گرمی بدار» (بندهای ۱۹ تا ۲۴ / صفحه ۴۳).

حق آن که بر تو احسان کرده است: «احسان او را به نیکی و مضاعف پاسخ ده، و از او سپاسگزاری کن» (بند ۲۷ / صفحه ۵۵).

حق همنشین: «از لغزش‌های او درگذر، او را عفو کن، نیکی‌هایش را بخاطر بسپار و از بدی‌هایش در گذر» (بند ۳۰ / صفحه ۶۱).

حق همسایه: «حقوق او را حفظ کن، عیب‌هایش را نادیده گیر، او را در سختی‌های روزگار یاری کن، از خطاهایش درگذر، با او معاشرت نیکو داشته باش» (بند ۳۶ / صفحه ۶۲).

حق معاشر: «او را فریب مده، با او دورویی نکن، به او دروغ مگو، با او مهر بورز» (بند ۳۶ / صفحه ۷۳).

حق شای و مدعی: «دلایل آنها را اگر درست است بپذیر، از رفتار ستم‌گرانه با آنها پرهیز کن، جنال و هیاهو نیز راه میانداز» (بندهای ۳۷ و ۳۸ / صفحات ۷۵ تا ۷۷).

حق بزرگ سال و خردسال «احترامشان را نگه دار، به آنان عطوفت بورز، به خردسالان رفتار نیک بیاموز، و با بزرگسالان حتی اگر خطایی کردند جدال مکن» (بندهای ۴۳ و ۴۴ / صفحه ۸۵).

حق سائل و نیازمند و مسکین و محروم: «به آنان کمک کن، گرفتاری‌شان را رفع کن» (بند ۴۵ / صفحه ۷۸).



۴) صحیفه سجادیه

این خط سیر اخلاقی و اندرزنامه‌ای، که با «صلح‌خواهی و صلح‌گرایی و صلح‌سازی در معنای موسع و مدنی آن مرتبط است، به نحوی در متن دینی «صحیفه سجادیه» نیز به خوبی نمایان است- منتهی با این تفاوت که فرمت آن متن از حیث ادبی، در قالب «دعا و نیایش» تنظیم شده است که از حیث محتوایی نیز برخوردار از مایه‌های الاهیاتی عرفانی اخلاقی است^۱.

این امر به ویژه در مورد بخشی از دعای اسلامی و شیعی که از ماهیت اجتماعی، مدنی و نیز جنبه‌های ایدئولوژیک و آگاهی بخش برخوردار است؛ بیشتر واجد اهمیت کاربردی است، بیشتر به این دلیل که رسالت اخلاقی و تعهد اجتماعی که مندرج در متون دعای اسلامی و شیعی است، به معتقد و فرد دعاخوان و دعا کننده این موقعیت را می‌دهد تا بتواند به مسئولیت اخلاقی خود در قبال دیگران نیز از طریق مکانیزم «دعا» عمل کند^۲. با نگاهی مختصر به چند نمونه معرف از دعاهای «صحیفه سجادیه» می‌توان برخی دلالت‌های این مساله را نمایان ساخت.

۱- موسوی گرمارودی، علی (مترجم) (۱۳۸۵) صحیفه سجادیه - نیایش‌های جاودانه حضرت علی بن الحسین، تهران، نشر هرمس.

۲- در مورد ماهیت الاهیاتی «دعا» و ماهیت اجتماعی «دعای اسلامی و شیعی» نگاه شود به: *نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۰) نسبت «خود - دیگری» در گفتمان دعای شیعی: پیوند الاهیات اجتماعی و فلسفه اجتماعی دعا، فصلنامه راهبرد فرهنگ، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز مطالعات راهبردی، شماره چهاردهم و پانزدهم، تابستان و پاییز، صص ۷-۳۸.
*نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۲) موقعیت اجتماعی گرایش به دعا در جامعه ایرانی-اسلامی معاصر: یک تحلیل ثانویه، فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۹، صص ۳۵-۵۸.
*نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۲) دعا: یک کنش اجتماعی دینی - مؤثر، مستمر، فراگیر، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۱، شماره مسلسل ۵، بهار ۱۳۹۲، صص ۳۷-۶۰.



الف) دعای هشتم: مکارم الاخلاق ۱

در این دعای معروف ارکان و قواعد اخلاقی زیستی و زیست معنوی سرشار از «صلح‌خواهی-گرایی-سازی» صورت‌بندی شده است که چند فراز آن به شرح زیر است:

بار خدایا به تو پناه می‌بریم از تندخویی و خشم و خشونت و تعصب [اللهم انی اعوذبک من هيجان الحرص ... و سورة الغضب ... و ملکه الحمیه] (بند ۱ / صفحه ۸۷).
و پناه می‌برم به تواز هماوردی با ستمگران و توانگران و خوار شمردن زیردستان و بدرفتاری با ناتوانان [و مباهاه المکثرین، و الازرا بالمقلین، و سوء الولایه لمن تحت ایدینا، و استکبارا الطاعه] (بند ۴ / صفحه ۸۷).

و خدایا به تو پناه می‌بریم از این که بدخواه دیگران باشیم و در کردارمان خودپسند و خودرای باشیم [و نعوذ بک ان ننطوی علی غش احد، و ان نعجب به اعمالنا] (بند ۵ / صفحه ۸۷).

و به تو پناه می‌بریم از شماتت و سرزنش و تحقیر دشمنانمان [و نعوذ بک من شماتت الاعداء] (بند ۶ / صفحه ۷۸).

ب) دعای چهاردهم: در مواجهه با ستم‌دیدگی

در این دعا نیز ضمن برشمردن اوصاف ستم‌پیشگی و مذمت ستمگری آموزه‌های اخلاقی «صلح‌مدار» در مواجهه با این پدیده و مساله ضد انسانی بر شمرده شده است:

بار خدایا روا مدار دشمنم بر من ستمگری کند و در برابر او مرا به نیکی یاری نما و مرا نیز از مقابله به مثل با او بازدار [اللهم ... و لا تسوغ له ظلمی و احسن علیه



عونى و اعصمنى من مثله افعاله [بند ۷/ صفحه ۱۱۸-۱۱۹].

بار خدايا همانگونه كه ستم‌كشى را نمى‌پسندى مرا نيز از ستمگرى بازدار [اللهم
فما كرهت الى ان اظلم ، فقى من ان اظلم] (بند ۱۰/ صفحه ۱۱۹).

پ) دعای بیستم: مكارم الاخلاق ۲

در این دعا نیز از نو آموزه‌های اخلاقی مرتبط با رفتار نیکو با دیگری طرح می‌شود
كه از بن‌مایه «صلح‌گرایی» است :

بار خدايا مرا به تكبر مبتلا مساز ... و نيكي به مردم را به من ارزانی دار [اللهم ...
و لاتفسد عبادتى بالعجب ... و اجر للناس على ايدى بالخير] (بند ۳ / صفحه ۱۴۹).

بار خدايا ... دشمنى نزديكان را به دوستى و بدكردارى خویشاوندان را به خوش
رفتارى و حسن معاشرت تبديل نما [اللهم ... و ابدلنى من بغضه اهل الشنان المحبه
... و من حسد اهل البغى الموده... و من خذلان الاقربين النصرة] (بند ۷ / صفحه
۱۵۱).

بار خدايا ... مرا در گسترش دادگرى و فرو خوردن خشم و خاموش نمودن آتش
فتنه و جوش دادن میان مردمان و داشتن رفتار نيك يارى نما [اللهم ... و البسنى فى
زينه المتقين فى بسط العدل و كظم الغيظ و اطفاء النائرة و ضم اهل الفرقه و
اصلاح ذات البين و خفض الجناح و حسن السيره] (بند ۱۰/ صفحه ۱۵۳).

ت) دعای بیست و ششم: نیکی در حق همسایگان و آشنایان

در این دعا می‌توان شاهد مبانی دینی رفتار مدنی (اخلاق شهروندی) در مواجهه با
مردمان در زندگی روزمره بود:



بار خدایا مرا در پاس داشت رفتار نیک با همسایگان و اشنایان و خویشان یاری
نما [اللهم... و تولنی فی جیرانی و موالی العارفین بحقنا والمناذین لاعداءنا] (بند ۸/
صفحه ۱۹۹).

بار خدایا مرا در یادگیری اداب نیکویت توفیق ده برای: مدارا با ناتوانان، رفع تنگ
دستی آنان، خیرخواهی با مردمان، یاری ستم‌دیدگان، مشارکت در رفع نیاز نیازمندان
[ووقفهم لاقامه سنتک، و الاخذ بمحاسن ادبک، فی ارفاق ضعیفهم، وسد خلتهم،
و هدایه مسترشدہم، و نصرہ مظلومہم، و حسن مواساتہم] (بند ۲ / صفحه ۱۹۹).

روی هم در هر ۵۴ دعای صحیفه سجادیه نیز می توان به نوعی ادامه این خط
سیر از طرح آموزه‌های اخلاقی را دید. آموزه‌هایی که از طریق یاد دادن و یادآوری یک
زندگی نیک سرشار از امور معنوی و اخلاقی هم چنان بن‌مایه «صلح‌خواهی- گرای-
سازی» هستند. این مبانی دینی در حقیقت به زبان جامعه‌شناختی مدرن، می‌توانند
جزو و در ردیف «اخلاق شهروندی» citizenship ethics & morality محسوب شوند^۱ که
شالوده "صلح‌مداری" در زندگی روزمره نیز هستند.

[۴] فضای مفهومی «اخلاقیات اجتماعی صلح» در مثنوی شریف معنوی

«مثنوی شریف معنوی» (آن چه علامه اقبال لاهوری پارسی‌گوی پاکستانی شبه
قاره هند در سده ۱۹ میلادی، «زبور عجم» و «قرآن پارسی» نام می‌نهدش) هر
چند از نگاه عرفانی اخلاقی دینی، یکی از اضلاع مهم و موثر و مقوم شبکه متون

۱- در مورد «اخلاقی شهروندی» نگاه شود به :

* نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۳) اخلاق اجتماعی (شهروندی) در شهر تهران: مطالعه موردی، شهرداری
تهران، مرکز مطالعات راهبردی و برنامه ریزی شهر تهران.
* میرزایی، حسین/ نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۳) تدوین شاخص های حقوق شهروندی بر مبنای
معیارهای اسلامی، گزارش نهایی طرح پژوهشی، کارفرما: وزارت کشور، مجری: موسسه مطالعات و
تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران - بخش جامعه شناسی دین.



دینی و معارف اسلامی است، اما به لحاظ این که مولف معظم آن - مولانا جلال الدین محمد بلخی خراسانی زاده سده ۱۲ میلادی - به عنوان شارح و مفسر بزرگ قرآن عظیم از ژانر ادبی و نیز گفتمان زبان‌شناختی و معناشناختی خاصی سوای متون دینی سنتی مذکور و موصوف بهره برده است، لذا شایسته است و به جا، که متن مثنوی معنوی او را در بخشی مجزا تفحص کنیم.

اما جهان مولانا جلال الدین محمد بلخی در «مثنوی معنوی» طنین دیگری از «صلح» را به ذهن متبادر می‌کند؛ که ورای و سوای متن‌های دینی است که تا کنون مرور نمودیم. زین سبب برحسب مشرب عرفانی ذوق مولوی و نیز سبک زبان‌شناختی او و همچنین ژانر ادبی که مولانا برگزیده است - یعنی سبک و استیل داستان‌پردازی و حکایت‌گری به سیاق الاهیات اخلاقی و رویه آگاهی‌دهندگی موعظه‌ای - پژواک معناشناختی و گفتمانی خاصی از «اخلاقیات صلح» قابل ملاحظه است. یک مرور اجمال بر گشتالت فهرست‌وار حکایت‌های مولانا در «مثنوی معنوی» و نیز واژگان‌شناسی - یابی آن به خوبی موید این دلالت الاهیاتی و الزام جامعه‌شناختی است^۱.

لذا تعبیرپردازی‌های مثنوی از مقولات با نوعی نگاه دیالکتیکی (تضاد و تناقض ظاهری) نیز همراه است، که اگر مخاطب و متن خوان مثنوی به این دقیقه متوجه نباشد، این امکان هست که او در «مثنوی مولوی» گفته‌های متناقض و متضاد هم بیابد. این امر در مورد مقوله «صلح» هم کاملاً بارز است، به ویژه آن که در ذهن و زبان دیالکتیکی مولوی بلخی چنین مقوله‌ای از جنس مفاهیم دو جفتی متضاد است، یعنی هم چون «زندگی» که با نقیض خود «مرگ» عجین است، «جنگ» نیز با ضد خود یعنی «صلح» متناظر است.

این دو پهلوی و ابهام ادبی و ابهام گفتمانی به هنگام تعبیر پردازی های مولوی

۱- برای "واژگان شناسی - یابی مثنوی مولوی" نگاه شود به :

*خاتمی، احمد (۱۳۹۰) آسمان‌های دیگر : راهنمای پژوهش در مثنوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی (کلید واژه "جنگ"؛ صص ۲۲۷-۲۲۸).



از «صلح» خود را بیش‌تر نشان می‌دهد. در سه متن عظیم دیگر مولوی نیز («دیوان شمس تبریزی»، «فیه مافیه»، «مجالس سبعه») این رد پای گفتمانی و سبک زبان شناختی و معناشناختی مولوی به خوبی قابل ملاحظه است.

به نمونه مولوی به طرزی دو پهلو و دیالکتیکی درباره همزیستی «صلح و جنگ» در زیست بشری و تعیین‌گونه بودن آنها، که تو گویی به نوعی امری الزامی و ضروری و قهری و قطعی است، با چنین تعبیری می‌گوید^۲:

«تو مگو همه به جنگند، و ز صلح من چه آید/ تو یکی نه ای، هزاری، تو چراغ خود بیافروز»

در تعبیر دیگر، مولوی ماهیت الاهیاتی- اخلاقیاتی «صلح» (و جنگ) را به همین نحو دیالکتیکی صورت‌بندی می‌کند:

صلح اساس «مهر» خداست و جنگ نیز به تبع آن اساس «قهر» خدا است.
 «ور به خشم و جنگ، عکس قهر اوست/ ور به صلح و عذر، عکس مهر اوست»
 (دفتر اول/ بیت ۱۵۱۶) -

اما گاهی صلح‌ها نیز «رمنده» اند و نباید به آنها دل بست.
 به هم چنین جهان ما جهان «جنگ» خیر و شر نیز هست.
 «مر مرا چه جای جنگ نیک و بد / کین دلم از صلح‌ها نیز می‌رمد» (دفتر اول / بین ۲۳۱۶) .

۱- نگاه شود به دیگر متن‌های معظم مولانا :

* مولوی ، جلال الدین محمد بلخی(۱۳۶۵)مجالس سبعه - هفت خطابه ، با تصحیح و توضیح توفیق ه.سبحانی ، تهران، انتشارات کیهان.

* مولوی،جلال الدین محمد بلخی(۱۳۷۲) فیه مافیه ، باز خوانی متون - ویرایش متن از جعفر مدرس صادقی ، تهران، نشر مرکز .

* مولوی،جلال الدین محمد بلخی (۱۳۶۶) کلیات دیوان شمس تبریزی ، با مقدمه بدیع الزمان فروزان فر ، تهران، امیر کبیر.

۲-مولوی ، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۷۵) مثنوی شریف معنوی - نسخه قونیه ، با مقدمه و تصحیح عبدالکریم سروش ، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۲ جلد.



جهان ما سرشار از «دیالکتیک» مهر و کین و جنگ و صلح است.

«مهر و کین» آدمیان سازنده جنگ و صلح‌اند.

«موج‌های صلح بر هم می‌زند/ کینه‌ها ازسینه‌ها بر می‌کند»

«موج‌های جنگ بر شکل دگر / مهرها را می‌کند زیر و زبر» (دفتر اول/ بیت‌های

۲۵۸۲-۲۵۸۳).

«نفسانیات بشری» عامل و تعیین‌کننده اصلی خیر و شر، مهر و کین و نهایتاً جنگ

و صلح‌اند:

«جر و مد و خرج و دخل این نفس/ از کی باشد، جز زجان پر هوس»

«گاه جیمش می‌کند، گاه حا و دال/ گاه صلحش می‌کند، گاهی جدال» (دفتر اول/

بیت‌های ۳۳۴۰-۳۳۴۱).

اما حسن ختام مولوی درمثنوی به کاربستن یک گفتمان الهیاتی است از جنس

یک «فلسفه دینی تاریخ» RELIGIOUS PHILOSOPHY OF HISTORY، به این معنا که

آغاز و انجام جهان از پیش توسط باری تعالی و مشیت قطعی و محتوم الهی تعیین

شده است و لذا ما را هم از تن دادن به آن‌گزیری و گریزی نیست. نتیجه آن که

۱- برای فهم ماهیت "فلسفه تاریخ" و "امر تاریخی" نگاه شود به :

* هردوت [سده ۵ ق م] (۱۳۹۲) تاریخ هردوت، تلخیص و تنظیم - جیمز آلن استوارت اونز، ترجمه به انگلیسی: جرج راولینسون، ترجمه به فارسی غ. وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. * اتکینسون، آراف و دیگران (۱۳۸۷) فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، حسین علی‌نوذری، تهران، طرح نو.

* ایگرس، گنورگ (۱۳۸۹) تاریخ‌نگاری در سده بیستم: از عینیت تا چالش پست مدرن، عبدالحسین آذرنگ، تهران، سمت.

* مکالا، سی بی (۱۳۸۷) بنیادهای علم تاریخ، احمد گل محمدی، تهران، نشر نی.

* جنکیز، کیت (۱۳۹۳) بازاندیشی تاریخ، حسین علی‌نوذری، تهران، آگه.

* کالینگوود، جرج (۱۳۸۹) مفهوم کلی تاریخ، علی‌اکبر مهدیان، تهران، کتاب‌آمه.

- و نیز تعبیر آن در تاریخ‌نگاری اسلامی :

* رابینسون، چیس اف (۱۳۹۲) تاریخ‌نگاری اسلامی، محسن الویری، تهران، سمت.

- و هم چنین فلسفه تاریخ توحیدی در زندگی انبیای الهی :

* قطب راوندی، سعید بن هبه ا... [سده ۵۶۰ ه ق/ ۱۱۲۰ م] (۱۳۶۸) قصص الانبیاء، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی



جنگ خیر و شر در نفس و طبیعت و هستی و روح و ذهن و تاریخ و فرهنگ و جامعه نیز امری الاهیاتی و تاریخی الزامی و به لحاظ دینی، امری از پیش مقدر است:

«یا مگر زین جنگ، حقت واخرد/ در جهان صلح یک رنگت برد» (دفتر ششم/ بیت ۵۵).

مولوی همچنین در اشاراتی فوق العاده دیالکتیکی و سرشار از ایدئولوژی توحیدی که مثنوی او مملو از آن است، میان ماهیت خیرخواهانه «جنگ نبی» و ذات شرگرایانه «جنگ آدمیان» تمایز اساسی قائل شده و معتقد است که «جنگ‌های خیرگرا» از نوع «جنگ خداگرا- خواهانه» پیامبر(ان) الهی از بیخ و بن خود نوعی «صلح خیرساز» هستند!

«جنگ‌ها بین، کان اصول صلح‌هاست/ چون نبی، که جنگ او بهر خداست»

«جنگ پیغمبر، مدار صلح شد/ صلح این آخر زمان، زان جنگ بد» (دفتر ششم/ بیت ۶۴).

همانگونه که حسب تجربه متنی خواننده شده از مثنوی می‌توان انتظار داشت، مولانا در مثنوی این «جنگ آخر زمانی توحیدی» را مقدمه «صلح آخر زمانی بشری» می‌داند :

«جنگ پیغمبر، مدار صلح شد/ صلح این آخر زمان، زان جنگ بد» (دفتر ششم/ بیت ۶۵).

اما جنگ و صلحی که بسیار «جنگی خونین» و «صلحی خون‌ریز» است! :

«صد هزاران سر برید آن دلستان / تا امان یابد سر اهل جهان» (دفتر اول/بیت های ۳۸۷۳-۳۸۷۴).

روی هم در مثنوی مولوی، همانگونه که پیش تر نیز گفته شد، برای مولوی مساله «جنگ» پیش از «صلح» مطرح است و صرفاً در درجه اول این «جنگ» به تضاد قوا در ذات بشری و نفسانیات و طبیعت بر می‌گردد و سپس به زندگی مادی و معنوی تسری می‌یابد. زین سبب در جای جای مثنوی می‌توان شاهد توصیف این «جنگ»



بود؛ برای نمونه از جمله در ابیات زیر می‌توان این نگاه را دید:

«خاصیت طبیعت بشر جنگ است (دفتر ۱: بیت ۲۶۱۸۷/دفتر ۴: بیت ۲۷۱۷)؛ نفس بشری عامل جنگ است (دفتر ۲: بیت ۷۸۴)؛ جنگ بشر با خدا، جنگ شیطان با خدا، جنگ نفس با عقل، جنگ کافران با انبیا، جنگ باطن و ظاهر آدمی، جنگ درونی انسان با خود (دفتر ۴: بیت‌های ۱۵۰۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۸، ۱۱۰۸، ۱۰۲۱ / دفتر ۶: بیت های ۴۷ تا ۶۰)»^۱.

مولوی همچنین معتقد است جنگ‌ها می‌توانند عامل "صلح" نیز باشند، چون زمینه را برای تفاهم و سازش فراهم می‌سازند؛ همان گونه که سوء تفاهم می‌تواند عامل جنگ باشد. به همین قرار در نظر مولوی "جنگ احمقان" بسی جاهلانه و بی‌باکانه و غیر عاقلانه است. او نهایتاً صلح و جنگ را از "فتنه" های این جهانی (محل و موضع ابتلا و آزمایش بشری) می‌داند (نک دفتر ۶: بیت ۱۸۵۲؛ دفتر ۲: بیت ۳۱۱۳). همانگونه که بیخ و بن جهان ما نیز وفق مشیت و تقدیر الهی از پیش تعیین شده از ازل تا به ابد بر "جنگ ضدین" استوار است (نک دفتر ۶: بیت ۴۵).

[۵] نتیجه‌گیری

همه آنچه در این مقاله درباره «اخلاقیات اجتماعی صلح در شبکه متون دینی» (معارف اسلامی و شیعی) گفته شد، را می‌توان در چند نکته کلیدی یادآوری و مرتب نمود:

«صلح»، نقیض «ناصلح» است، یعنی نبود جنگ و تضاد و تناقض و تخاصم و نزاع و مناقشه و خشونت و تبعیض و تعصب. «صلح» زمینه‌ساز آرامش فرهنگی،

۱- خاتمی (۱۳۹۰) آسمان های دیگر: راهنمای پژوهش در مثنوی، پیشین (کلید واژه "جنگ"؛ صص ۲۲۷-۲۲۸).



آسایش مدنی، امنیت سیاسی، ثبات حقوقی و نظم اجتماعی است. در متون حکمتی دینی، می‌توان شاهد آموزه‌هایی در باره «صلح‌خواهی- گرای- سازی» بود.

منظور از «حکمت» نیز همان قواعد عملی یک زندگی اخلاقی معنوی‌اند. حکمت (ها) توصیه‌ها و خط مشی‌ها و رهنمودهای ارزشی هنجاری معنوی جهان شمولی هست (ند) برگرفته از الاهیات و فلسفه و تجربه زیسته بشری که هم انسان مدارانه‌اند و هم‌زیستنی سعادت‌مند را به صورتی عام‌گرایانه و فراسوی محدودیت‌های فرهنگی و آن سوی مرزبندی‌های عقیدتی ادیان رسمی و فراتر از قیدوبندهای محلی‌گرایانه و خاص‌گرا توصیه و ترویج و تبلیغ کرده و تذکر و آموزش نیز می‌دهند.

از این لحاظ و تا جایی که با «حکمت اسلامی» مرتبط است، در چند متن دینی که از جنس معارف اسلامی و شیعی‌اند؛ می‌توان به این حکمت دست یافت و اخلاقیات صلح را در متن این متون به صورت هرمنوتیکی و معناکاوانه آن فهم کرد. این متون عبارتند از: «نهج‌الفصاحه، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، رساله الحقوق، مثنوی شریف معنوی».

بن‌مایه حکمتی رفتار «صلح‌خواهی- گرای- سازی» نیز در «عقلانیت اخلاقی معنوی» نهفته است. عقلانیتی که ما را به «دگرخواهی، ایثار، شفقت، مهربانی، مدارا، انسان دوستی» فرا می‌خواند.

در «شبهه متون دینی اسلامی و شیعی» با نگاه جامعه‌شناختی مدرن می‌توان شاهد صورت‌بندی از دعوت و الزام به «رعایت حقوق‌بشر و شهروندی» و نیز پای‌بندی به رفتار متناسب و مناسب با مقتضیات و ملاحظات «اخلاق شهروندی» در حوزه‌های عمومی و خصوصی بود. رفتاری که بن‌مایه و ساختاردهنده به کنش‌های اجتماعی معطوف به «صلح‌خواهی- گرای- سازی» است.



منابع

منابع فارسی

- ۱- اتکینسون، آر. اف و دیگران، ۱۳۸۷، فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، حسین علی نوذری، تهران، طرح نو.
- ۲- اتکینسون، ار. اف، ۱۳۹۱، درآمدی بر فلسفه اخلاق، سهراب علوی نیا، تهران، انتشارات هرمس.
- ۳- احمد، اکبر، ۱۳۸۹، اسلام از آغاز تا امروز، اردشیر نراقی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- ایگرس، گئورگ، ۱۳۸۹، تاریخ‌نگاری در سده بیستم: از عینیت تا چالش پست مدرن، عبدالحسین آذرنگ، تهران، سمت.
- ۵- باديو، آلن، ۱۳۸۷، اخلاق- رساله ای در ادراک شر، باوند بهپور، تهران، نشر چشمه.
- ۶- بژه، دیوید، ام، ۱۳۸۸، تحلیل روایت و پیشا روایت: روش‌های روایی در تحقیقات اجتماعی، حسن محدثی، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۷- پنسکی، مکس، ۱۳۸۸، "جامعه، اخلاق و حقوق: یورگن هابرماس" در: کیت نش و آلن اسکات (ویراستاران) راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، قدیر نصری و محمد علی قاسمی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد اول، فصل ۵، ۷۰-۸۲.
- ۸- پالمر، ریچارد، ال، ۱۳۸۹، علم هرمنوتیک، محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، هرمس.



- ۹- تروپه، میشل، ۱۳۸۹، فلسفه حقوق، مرتضی کلانتریان، تهران، آگه.
- ۱۰- جانسون، گلن، ۱۳۷۷، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: شرفی.
- ۱۱- جنکیز، کیت، ۱۳۹۳، بازانیشی تاریخ، حسین علی نودری، تهران، آگه.
- ۱۲- حامد ابوزید، نصر، ۱۳۸۹، معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن، مرتضی کریمی‌نیا، تهران، طرح نو.
- ۱۳- خاتمی، احمد، ۱۳۹۰، آسمان‌های دیگر: راهنمای پژوهش در مثنوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۴- داروال، استیون و همکاران، ۱۳۸۰، نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم، مصطفی ملکیان، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- ۱۵- دشتی، محمد (مترجم)، ۱۳۹۰، نهج‌البلاغه امام علی، با تجدید نظر و یرایش جدید، قم، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمومنین ع، انتشارات نشا (بافرانی).
- ۱۶- دیلتای، ویلهلم، ۱۳۹۴، دانش هرمنوتیک و مطالعه تاریخ، منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، ققنوس.
- ۱۷- رایینسون، چیس. اف، ۱۳۹۲، تاریخ‌نگاری اسلامی، محسن الویری، تهران، سمت.
- ۱۸- راسخ، محمد، ترجمه و تالیف، ۱۳۸۱، حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران، طرح نو.
- ۱۹- رپلی، تیم، ۱۳۹۵، راهنمای عملی تحلیل و گفتگو، گفتمان و سند، عبدا... بیچرانلو، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۰- ریکور، پل، ۱۳۹۰، زندگی در دنیای متن: شش گفتگو و یک بحث، بابک احمدی، تهران، نشر مرکز.



- ۲۱- سعیدیان، محسن (مترجم)، ۱۳۹۰، رساله الحقوق امام سجاد- متن کامل عربی و پارسی، قم، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
- ۲۲- سرخوش کرتیس، ویستا و دیگران، ۱۳۹۳، برآمدن اسلام، کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز.
- ۲۳- شهیدی، سید جعفر، ۱۳۹۲، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۴- عبدالرزاق، علی، ۱۳۹۱، اسلام و مبانی قدرت، امیر رضایی، تهران، نشر قصیده سرا.
- ۲۵- فالکس، کیث، ۱۳۹۰، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- ۲۶- فیاض، علی اکبر، ۱۳۸۸، تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۷- قطب راوندی، سعید بن هبه ا... [سده ۶ هـ/ق. ۱۲م]، ۱۳۶۸، قصص الانبياء، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- ۲۸- کرمی فریدونی، علی، ۱۳۸۴، برگردانی تازه از نهج الفصاحه: پرتوی از پیام پیامبر، تهران، حلم.
- ۲۹- کالینگوود، جرج، ۱۳۸۹، مفهوم کلی تاریخ، علی اکبر مهدیان، تهران، کتاب آمه.
- ۳۰- کوزنز هوی، دیوید؛ ۱۳۸۵؛ حلقه انتقادی: هرمنوتیک، تاریخ، ادبیات و فلسفه، مراد فرهادپور، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۳۱- گروندن، ژان، ۱۳۹۵، هرمنوتیک، محمد رضا ابوالقاسمی، تهران، نشر ماهی.
- ۳۲- گوروویچ، ژرژ، ۱۳۵۲، مبانی جامعه‌شناسی حقوقی، حسن حبیبی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳۳- لاگلین، مارتین، ۱۳۸۸، مبانی حقوق عمومی، محمد راسخ، تهران، نشرنی.



۳۴- لوی برول، هانری، ۱۳۸۸، جامعه‌شناسی حقوق، ابوالفضل قاضی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۳۵- لوی برول، هانری و دیگران، ۱۳۷۱، حقوق و جامعه‌شناسی، مصطفی رحیمی، تهران،

سروش

۳۶- مالک حسینی (ترجمه و تالیف)، ۱۳۸۸، حکمت: چند رویکرد به یک مفهوم،

تهران، نشر هرمس.

مکالا، سی بی ین (۱۳۸۷) بنیادهای علم تاریخ، احمد گل محمدی، تهران، نشر نی.

۳۷- مونتگمری وات، ویلیام، ۱۳۸۹، فلسفه و کلام اسلامی، ابوالفضل عزتی، تهران،

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۸- نوبختی، حسن بن موسی، ۱۳۹۶، فرق الشیعه، محمد جواد مشکور (ترجمه و

تعلیقات)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۹- موسوی گرمارودی، علی (مترجم)، ۱۳۸۵، صحیفه سجاده- نیایش‌های جاودانه

حضرت علی بن الحسین، تهران، نشر هرمس.

۴۰- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، ۱۳۷۵، مثنوی شریف معنوی- نسخه قونیه،

با مقدمه و تصحیح عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۲

جلد.

۴۱- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، ۱۳۶۵، مجالس سبعة- هفت خطابه، با

تصحیح و توضیح توفیق. ه. سبحانی، تهران، انتشارات کیهان.

۴۲- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، ۱۳۶۶، کلیات دیوان شمس تبریزی، با

مقدمه بدیع الزمان فروزان فر، تهران، امیر کبیر.

۴۳- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، ۱۳۷۲، فیه مافیه، باز خوانی متون- ویرایش

متن از جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز.

۴۴- نجاق حسینی، سید محمود، ۱۳۸۷، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران،



در: کوثری، مسعود/ نجاتی حسینی، سید محمود (ویراستاران)، ۱۳۸۷، انقلاب اسلامی، جامعه و دولت: مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران، کویر، صص ۱۳۳-۱۷۳.

۴۵- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۴، خاستگاه‌های عقیدتی- دینی در نگرش- گرایش به مصالح جمعی: مطالعه موردی دعا، حدیث و حکمت شیعی، در: بحرانی، مرتضی (تدوین و ویرایش)، ۱۳۹۴، فردگرایی و جمع‌گرایی در آموزه‌های اسلامی - مجموعه مقالات، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صص ۳۵۵-۳۹۶.

۴۶- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۱، نسبت اجتماعی حق- وظیفه در گفتمان دینی: تحلیل محتوای نهج البلاغه و نهج الفصاحه، دو فصلنامه تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، س ۴، ش ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۸۰-۳۱.

۴۷- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۸۵، اخلاق، حقوق و جامعه: درآمدی بر جامعه‌شناسی حقوق و اخلاق ژرژ گورویچ، پژوهشنامه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار، شماره ۱، بهار، صص ۵۸-۸۱.

۴۸- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۰، نسبت «خود - دیگری» در گفتمان دعای شیعی: پیوند الاهیات اجتماعی و فلسفه اجتماعی دعا، فصلنامه راهبرد فرهنگ، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز مطالعات راهبردی، شماره چهاردهم و پانزدهم، تابستان و پاییز، صص ۷-۳۸.

۴۹- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۲، موقعیت اجتماعی گرایش به دعا در جامعه ایرانی- اسلامی معاصر: یک تحلیل ثانویه، فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۹، صص ۳۵-۵۸.

۵۰- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۲، دعا: یک کنش اجتماعی دینی، موثر، مستمر،



فراگیر، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۱، شماره مسلسل ۵، بهار ۱۳۹۲، صص ۳۷-۶۰.

۵۱- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۸۸، "یورگن هابرماس: از حقوق، اخلاق و سیاست لیبرالی به سمت قانون و دموکراسی گفتگویی"، دانشنامه علوم اجتماعی (فصلنامه دانشگاه تربیت مدرس) شماره ۱، ۹۳-۱۲۴.

۵۲- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۲، جامعه، فرهنگ و اخلاق: درآمدی نظری بر اخلاق اجتماعی؛ در: جامعه ایرانی و اخلاق اجتماعی، ۱۳۹۲، پژوهش نامه شماره ۱۱۲، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی- مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۴۶-۱۱.

۵۳- نیچه، فردریش/ هایدگر، مارتین/ گادامر، هانس- گئورگ / و دیگران، ۱۳۹۱، هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها، بابک احمدی، مهران مهاجری و محمد نبوی، تهران، نشر مرکز.

۵۴- وکیو، دل، ۱۳۸۶، فلسفه حقوق، جواد واحدی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۵۵- ویکس، ریموند، ۱۳۸۶، فلسفه حقوق، فاطمه آبیاری، تهران، رخ دادند.

۵۶- هرودت [سده ۵ ق م]، ۱۳۹۲، تاریخ هرودت، تلخیص و تنظیم- جیمز آلن استوارت اونز، ترجمه به انگلیسی: جرج راولینسون، ترجمه به فارسی- غ. وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۵۷- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوییز، ۱۳۸۹، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، هادی جلیلی، تهران، نشر نی.



منابع انگلیسی

- 58- Gatling, Johan (2010) Peace Studies and Conflict Resolution: The Need for Transdisciplinarity - TRANSCEND: A Network for Peace and Development, trans-cultural psychiatry ARTICLE, Transcultural Psychiatry Vol 47(1):20-32., <http://www.sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav>, DOI: 10.1177/1363461510362041.
- 59- Pojman, L. P (1998), Ethical theory: classical and contemporary readings, Wadsworth pc.
- 60- Rachels, J (1998) Ethical theory, Oxford University press.
- 61- Rams, Botham, et al (2016) Contemporary Conflict Resolution, 4th, Edition, Polity. ISBN: ۶-۶۸۷۲۱-۷۴۵۰--۹۷۸ February.
- 62- Smith, T (1991) the role of social ethics in social theory; essays from habermasian perspectives, state university of New York.
- 63- Webel, Charles & Galtung, Johan (Eds) (2007) Handbook of Peace and Conflicts Studies, Routledge.

